

# فریادی از بی عدالتی و زورگویی

## بخش نخست (استاد صباح)



آیا؟  
بنی آدم  
اعضای  
یکدیگرند



«احساس پدر»

دخترک از پدر پرسید: پدر جان چه وقت خوشحال میشوی؟

پدر گفت: وقتی لبخند روی لبانت ببینم...

دخترک پرسید: چه وقت ناراحت میشوی؟ پدر گفت: روزی که دست خالی به خانه برگردم

دخترک گفت: پدر جان دست خالی که آمدی من میخندم تا تو خوشحال شوی.

**در حکومت غنی، کاهش شدید رشد اقتصادی و گسترش ناامنی، فقر و بیکاری افزایش یافته است. فقر در افغانستان در سال‌های ۲۰۱۱ و ۲۰۱۲ به ۳۶ درصد می‌رسید و این رقم در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ سه درصد افزایش یافت و به ۳۹ درصد رسید و این وضعیت به این معناست که ۱,۳ میلیون افغان اکنون قادر به تامین نیازمندی‌های خوراکی و غیرخوراکی خود نیستند. ارقام سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ نشان‌دهنده وضعیت بدتر فرصت‌های کاریابی است و از سال ۲۰۱۲ به بعد بیکاری در ولایات و ولسوالی‌ها سه برابر افزایش یافته است. در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ تقریباً دو میلیون افغان بیکار بودند که از آن جمله ۶۰ درصد آنان مردان و ۷۴ درصد از این بیکاران در منطقه‌های روستایی زندگی می‌کردند. جوانان و کارگران بیسواد قشر هاست که بیشترین ضرر را متحمل شده‌اند، چنانچه در سال‌های ۲۰۱۳ و ۲۰۱۴ از میان هر سه جوان، بین سن ۱۴ تا ۲۴، یکی از آنان بیکار بوده‌اند که سهم بیکاری جوانان ۴۶ درصد از کل افراد بیکار را تشکیل می‌داد. پیشرفت‌های اجتماعی و اقتصادی افغانستان به گونه‌ای فزاینده با خطر رو به رو است و دلایل‌های مختلف معتبر نشان می‌دهد که سطح فقر بیشتر از پیش افزایش یافته است. با افزایش میزان ناامنی، شکنندگی وضعیت کشور بیشتر شده و زندگی مردم بیشتر از پیش با "مانع‌ها و مشکل‌های غیرمترقبه" آسیب پذیر شده است. این کشمکش‌ها احتمال این را که فقر از نسل امروزی افغانها به نسل بعدی انتقال یابد بالا می‌برد؛ چون برای کودکان زمینه‌ی رفتن به مکتب مهیا نبوده است و بیشترین خانواده‌ها ناگزیر بیجا شدند.**

قریب یک میلیارد نفر از مردم جهان در فقر و بدبختی به سر می‌برند. مطابق آمارهای رسمی اکثریت قابل توجهی از گرسنگان در کشورهای کمتر توسعه یافته جهان سوم سکونت دارند. طی گزارش‌های سازمان زراعت و مواد غذایی جهانی (FAO) تعداد گرسنگان جهان هر روز افزایش چشمگیری یافته، با ادامه بحران کمبود مواد غذایی و تکرار فاجعه انسانی در اقصی نقاط جهان خطری بزرگ نسل بشریت را تهدید می‌کند. به یقین گرسنگی سلاحی مرگبار و غیر انسانی است که در حال حاضر از هر شش نفر جان یک نفر را تهدید می‌نماید. اگر حکمرانان جهان برای گرسنگان کاری نکنند، قطعاً در آینده ای نه چندان دور مهار این فاجعه ی خاموش غیرممکن خواهد بود. سازمان‌های بین المللی باید با درک شرایط حساس کنونی برای کاهش تعداد گرسنگان و تامین امنیت غذایی آنان چاره ای بیندیشند. جهان خفته در هیاهوی شهرنشینی دیگر صدای کودک رنگ پریده آفریقایی یا دیگر کودکان گرسنه ی جهان را نمی‌شنود که از سوء تغذیه چشم‌اندشان از حدقه درآمده و استخوان بدنشان زیر پوست خشکیده شان نمایان است. همه ما از هر نژاد، قومیت و نسلی که باشیم انسانیم. باید به حرمت انسان بودنمان ضمن احساس همدردی، در پی التیام دردهای یکدیگر باشیم. اینک ضمن احترام به همه خیرخواهانی که در پی درمان دردهای بشریت استین همت بالا زده اند و برای پایان بخشیدن به هیولای زشت گرسنگی و نابرابری در دنیای پرتلاطم امروز از هیچ کوششی دریغ نکرده اند، مجموعه نوشته ای تحت عنوان "پرسش‌های بی پاسخ"، که یادآور سرنوشت درد آور کودکان گرسنه یا بهتر بگوییم همه گرسنگان تاریخ است را تقدیم

می نمایم، امید است همه ما انسانها بتوانیم با احساس مسئولیت در برابر یکدیگر به خصوص خیل عظیم گرسنگان، مبارزه جدی و عملی با این پدیده شوم و درد خاتمانسوز را آغاز نمایم که این مهم تنها با تکیه بر ایمان قلبی و تعهد انسانیمان برای پایان بخشیدن به تراژدی هولناک مرگ گرسنگان استوار خواهد بود .  
آیا ملت های گرسنه و سیر می توانند متحد شوند ؟

روزی که انسان به فکر تسخیر جهان افتاد و آپولو 11 اولین سفینه فضایی این موجود ناشناخته و حریص را بر فراز ماه فرود آورد، آنروز قلب بشر آرام گرفت.

ما جهان را فتح کردیم و بر بلندای آن سیاره خاموش قدم گذاشتیم.

خبر پرواز انسان به دنیای بیکران و فتح ماه جهانیان را در بهت و حیرت فرو برد؛

خبرهای خوشی از پیشرفت تکنولوژی، اختراعات عظیم و باورنکردنی یکی پس از دیگری به گوش می رسید.

انقلابی عظیم در دنیای کوچک انسانها رخ داده بود ، پرواز بر فراز آسمان ، ساخت قطارهای سریع و سیر، کشتی های غول پیکر، فضاپیماهای فوق مدرن که تا اعماق فضا پیش می رفتند، پیش بینی حوادث طبیعی و غیر طبیعی توسط رادارهای پیشرفته و کشف اسرار آمیز انرژی اتمی و علوم جدید همه و همه نشان از عظمت ، قدرت و خلاقیت دنیای بشر داشت . اما بلافاصله خبرهای تلخی از گوشه و کنار جهان به گوش انسان ها رسید، خبرهای تهدید کننده ی جان بشریت در دنیای توسعه یافته برآستی تعجب آور بود.

با تیتز بزرگ روزنامه های پرطرفدار جهان نوشتند : "گرسنگی جان بیش از یک میلیارد انسان را تهدید میکند "

این خبر قابل تأمل ساکنان تنها سیاره ثروتمند و حیات بخش کهکشان راه شیری را متحیر کرد بود، آیا برآستی انسان گرسنه ای وجود دارد؟ گرسنگی حقیقت زندگی فرزندان زمین ثروتمند است. جای جای این کره خاکی طعم تلخش را چشیده اند . وطن ما ، وطن شما و در سرزمین های دوردست تر در روستاهای دور و نزدیک شهرها ؛ کوچه ای که در آن زندگی می کنیم یا حتی همسایه دیوار به دیوار خانه مان که خبر نداریم همه جا انسان گرسنه وجود دارد. از دیرباز تا کنون بلاهای طبیعی زیادی جان انسان ها را تهدید کرده است. سیل ، زلزله، آتش سوزی و دیگر خطرات طبیعی به نوعی بلای جان انسان بوده اند. اگر بخواهیم در بین حوادث بی شمار طبیعی و غیر طبیعی که لطمه های جبران ناپذیری بر پیکره ی آسیب پذیر نسل بشر از ابتدا تا کنون گذاشته ، به یقین گرسنگی و فقر را می توان یکی از دردناک ترین حوادث ناخواسته قرون گذشته و حال دانست که میلیونها انسان بی گناه و بی دفاع را قربانی نموده است.

دردهایی از قبیل: خودکشی خانواده ی هندی ، فروش پسر بچه خانواده بنگالی، قاچاق کودکان و نوجوانان آسیایی و آفریقایی، شکستن دست و پای کودک پاکستانی توسط پدر سنگ دل و بیرحمش برای مقاصد شوم و غیر انسانی گدایی و تکدی گری، راهزنی و گروگانگیری، مکیدن پستان خشکیده آن گاو توسط کودک گرسنه آفریقایی، و هزاران فاجعه آشکار و نهان دیگر، همه و همه دردهای مشترک بشریتند.

پرسش اساسی اینجا مطرح است، چگونه می توان بیش از یک میلیارد انسان گرسنه جهان را از عفریت مرگبار گرسنگی نجات داد؟ آیا تا کنون کسی به داد خواهی این ستم دیدگان زمین پاسخی داده است؟

نباید فراموش کنیم رنجی که بر انسان گرسنه امروز و دیروز تحمیل شده؛ نتیجه بی عدالتی و جمع شدن ثروت و منابع غذایی در انحصار گروهی انسان خودخواه ، فرصت طلب و بی رحمی است که به ناحق با اعمال سیاست های ضد بشری و نادیده گرفتن حقوق انسانی ملت ها ، اکثریت قابل توجهی از درماندگان و فقرا را بی شرمانه گرسنه نگه داشته اند. پس سکوت ما در برابر گرسنگی انسان ها چه معنایی دارد؟

شاید شنیده باشید کشورهای مرفه جهان برای تعادل و حفظ قدرت تسلط بر بازارهای جهانی سالانه هزاران تن گندم و سایر حبوبات را به قعر اقیانوس ها می ریزند؛ تا جایی که صاحبان کمپانی های بزرگ این روند را عاملی جهت جلوگیری از خطر تولید اضافی محصولات خود توجیه می نمایند. اما در مقابل این اقدام شرم آور در کشورهای مختلف جهان حتی کشورهای توسعه یافته میلیونها انسان سرگشته و گرسنه برای سیری شکم خود شرف و حیثیت شان را می فروشند و یا مظلومانه بر اثر گرسنگی جلوی چشم کور آنان جان می سپارند. این نابرابری زشت و رفتارهای غیر انسانی و اقیعت های تلخ دنیای به خواب رفته مدرن است که همچون کرم ابریشمی تارهای محکم و بی روزنه ای به دنیای اطراف خود تنیده است و بی خبر از زندگی وحشت بار انسانهای پیرامون خود بدون دغدغه و احساس مسئولیتی سالهاست شاهد پر ادعای مصیبت های جانسوز بشر می باشند. دغدغه ذهنی نسل گرسنه امروز پرسش بی جواب همیشگی است که باید نسل مرفه امروز پاسخگوی آن باشد. گرچه این عوامل غیر انسانی رابطه مستقیم با اندیشه های غلط نظام سرمایه داری، باورهای بی اساس نسل های گذشته در تقسیم بندی بشریت به طبقات چندگانه و در حقیقت زیاده خواهی و طمع ورزی انسان حریص و سیری ناپذیر این عصر دارد.

از چه کسانی و چه چیز هایی باید پرسید؟

از زندگی پرتنش بشر و دردهایش ،

از روزگار سخت و حوادث ناگوارش،  
 از وعده های پوچ بهبود اوضاع اقتصادی کشورهای فقیر که هرگز جامه ی عمل نپوشیده است.  
 از رویدادهای تکان دهنده ای که هرروز به عنوان خبری مهم در صفحات روزنامه ها، جراید و دیگر رسانه های دیداری و شنیداری بدون تجزیه و تحلیل و عواقب ناگوار آن منتشر می شود  
 از جنگ افروزان تا دندان مسلح، که صدای چکمه های پولادینشان گوش عالم و آدم را کر نموده است.  
 از مدعیانی که ژست نجات می گیرند و خود حلقه های در هم تنیده اسارت را به گردن ملت ها آویخته اند،  
 از انسان های گرگ صفتی که بی رحمانه در پی غارت ثروت کشورهای فقیر و گرسنه به کمین نشسته اند،  
 آنان که با حکم چماق، زور اسلحه و تانک با کودتای خشن به تغییر حکومت های مردمی مشغولند و داعیه دار اعطای نشان آزادی به انسانهای گرسنه سرزمین های دور و نزدیک می باشند.  
 از منادیان حقوق به اصطلاح بشر باید سراغ سیری شکم خود را گرفت.  
 آنان که این واژه های فریبنده و دهان پرکن را ابزاری برای سرکوب و به بند کشیدن انسان ها قرار داده اند،  
 شعار برابری و برادری انسان ها سر می دهند و با ریسمانی از رنگ سیاه و سفید به تقسیم ظالمانه بشریت همت می گمارند. جهان را با راه اندازی جنگ و خشونت به سرزمین های پر خطر و ناشناخته ای مبدل کرده اند و گورستانها را به برکت وعده های توخالی رونقی دیگر داده اند.

## عصر جنگنده های بی سرنشین و ماهواره های نظامی

### بخش دوم – استاد صباح



کودکان قربانیان اصلی سوء تغذیه محسوب می شوند. کودکانی که از سوء تغذیه شدید رنج می برند هر ساله تا 160 روز از سال را با بیماری پشت سر می گذارند. تغذیه نامناسب نقش مهمی در نیمی از 10.9 میلیون مورد مرگ و میر سالانه کودکان جهان را دارد. سوء تغذیه، همچنین بر کوتاهی قد، 32.5 درصد از کودکان در کشورهای در حال توسعه تاثیر مستقیمی داشته است. به لحاظ جغرافیایی، بیش از 70 درصد از کودکان دچار سوء تغذیه در آسیا، 26 درصد در آفریقا و 4 درصد در آمریکای لاتین و کارائیب زندگی می کنند. در بسیاری از موارد، حتی قبل از تولد، مادر نیز دچار سوء تغذیه می باشد. سوء تغذیه زنان باردار در کشورهای در حال توسعه باعث آن شده که يك ششم کودکان با وزن کم متولد شوند، متعاقبا این امر باعث افزایش ناتوانی های یادگیری، روانی، عقب ماندگی، بهداشت ضعیف، کوری و مرگ زودرس در بین کودکان می شود.

از طراحان جنگنده های بی سرنشینی که زندگی پیلوت قومیت خود را بر مرگ هزاران کودک و زن گرسنه ی سرزمین های غارت شده جهان سوم ترجیح می دهند. از آنان باید پرسید که بی واهمه در جستجوی پس مانده های خود ساخته

تروریسم در DNA خون ساکنان بی دفاع افغانستان بردست های بی رمق زنان و کودکان مظلوم این دیار سرنگ فریب میزنند. از آنانکه با طرح نقشه های بدبینی تفکیک قومیتی و مذهبی در مراکز فرماندهی سازمان های امنیتی و جاسوسی به فکر گسترش قلمرو سیاسی خود جا خوش کرده اند.

در پشت درهای بسته و کاخ های فولادین و بی روزنه شورای حقوق بشر تشکیل می دهند از حقوق بر باد رفته بشریت سخن می گویند با اعضایی ثابت از انسان های بی رحم و بی اطلاع از دنیای پیرامونشان و دقایقی دیگر بی شرمانه با پر رویی تمام سر از اتاق جنگ در می آورند تا آمار انسان های کشته شده در جنگ های تحت مدیریت شان را در دفتر سیاه حقوق به اصطلاح بشر ثبت نمایند سپس در پشت تریبونهای وابسته خبری جهان که از جیب مبارکشان ارتزاق می کنند از مدیریت جهانی، نجات بشر و رفع فقر و گرسنگی در اقصی نقاط جهان سخن می رانند و با نوشتن مقالات خوشرنگ در قالب ادبیات کلاسیک از حقوق حیوانات تا انسان ها هزاران سطر ادبی به رشته تحریر در آورده اند. اما با کمال تأسف نتیجه این تعاریف، چالش بزرگ گرسنگی انسان های قرن بیست و یکم است که میلیون ها نفر از زنان و کودکان سرگشته و ناتوان در کشورهای مختلف با این پدیده شوم دست به گریبانند که بر این اساس ضرورت بسته ی نجات جامعه بین الملل بیش از هر زمانی برای سیری شکم این ملت ها کاملاً احساس می شود.

چرا از هر شش انسان زنده بر روی کره زمین یک نفر باید گرسنه بخواهد؟  
غارت معادن طلا، الماس و دیگر معادن کمیاب در قاره سیاه چه معنایی دارد؟ درست است که تعدادی از کشورهای جهان سوم توانایی سیر کردن شکم مردم خود را ندارند اما حق استفاده از ثروت های خدادادی کشور خود را که دارند! سنوآل اساسی که سالهاست در اذهان عمومی ملت ها ی چپاول شده بی پاسخ مانده این است: اگر دنیای مرفه غرب و یا بلوک به اصطلاح سرمایه داری خود صاحب چنین معادن استراتژیک، چاه های نفت و دیگر ثروت های زیر زمینی دنیا ی شرق یا به اصطلاحی جهان سوم بودند اجازه گرسنگی و بدبختی ملت خود و سیری شکم انسانهای غیر خود و یا به نوعی دنیای شرق را می دادند؟ جنگ، کودتاهای متعدد و نظامیگری و همچنین تقسیم شک برانگیز مرزهای جغرافیایی ملت ها به سرکردگی استعمارگران در نقاط مختلف جهان سالیان متمادی است در پدیده شوم قحطی و گرسنگی ملت ها نقش مؤثری دارد. پیامدهای زیانبار این چنین تحرکات علاوه بر کشتن، زخمی شدن و آوارگی انسان های بی دفاع تداوم جنگ های داخلی بوده که جز نابودی مزارع و کشتزارها، آلودگی آب و در نهایت فقر حقرات بار و بدبختی انسان ها حاصلی به بار نیاورده است. در این گونه ممالک انسان هایش به علت کمبود غذا، رواج فقر، بیسوادی، سطح پایین فرهنگ و بهداشت، سوء تغذیه و رواج روز افزون بیماری های روانی و ناراحتی های جسمی تابلوی هولناک، غم انگیز و بسیار فاجعه باری به تصویر کشیده است.

چرا بشریت به چنین سرنوشت فلاکت باری گرفتار شده است؟  
همه ملت ها چشم امید به سیاست های سازمان ملل متحد دوخته اند. سالهاست منتظر نسخه های نجات بخش لاتین و ترجمه شده به سایر زبانها ی ملل که از کاخ شیشه ای نیویورک بیرون می آید نشسته اند.  
آیا در سازمان مللی که نمایندگان همه کشورهای دارا و ندار حضور دارند راهکاری اساسی برای نجات سیل عظیم گرسنگان جهان و جلوگیری از جنگ و خشونت علیه بشریت گرفته شده است؟

البته منکر خدمات این سازمان در حل بسیاری از بحران های خشونت بار جهانی نمی شویم علیرغم تلاش های سازنده و پیگیری های مؤثری که در حل مناقشات بین الملل و خشونت ها ی جهانی داشته، هنوز جامعه بشری نگران اعمال نفوذ قدرت های سلطه جو و بهره برداری های سیاسی از این سازمان به سر می برند. سازمان ملل متحد برآمده از رأی و نظر ملت های جهان است باید خطر گرسنگی بشر را به عنوان مهمترین بحران قرن حاضر در دستور کار قرار دهد. نباید وقت نشست های مهم این سازمان معتبر جهانی صرف خواسته کشورهای صاحب نفوذ و دارنده همیشگی برگ برنده حق و تو شود و تحت تأثیر سیاست های توسعه طلبانه این گروه که بر مبنای تفکر اعمال فشار در قالب زورناتو و حکم شورای امنیت استوار است قرار گیرد. منشور ملل متحد همه انسان ها را فارغ از رنگ، نژاد، ملیت و مذهب برابر به حساب می آورد و ضمن خرابی همه دیوار های پلید نابرابری و تبعیض تعهد می نماید در برابر هر گونه تخطی به حقوق انسان ها و نجات بشر از گزند روزگار مسنول و پاسخگو باشد.